

توطئه برای جدایی بحرین از ایران

تألیف و گردآوری اسناد
دکتر حمید غروی

با مقدمه
دکتر مشکان مشکور



شرکت ملی

تهران

۱۴۰۱



نشر سنگلج

توطئه برای جدایی بحرین از ایران

تألیف و گردآوری اسناد: دکتر حمید غروی

با مقدمه: دکتر مشکان مشکور

صفحه آرا: محمود خانی

طراح جلد و لوگو: محسن پیشدادی

حروف چینی: نشر سنگلج

شماره انتشار: ۱۰

چاپ اول: ۱۴۰۱

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

بها: ۳۰۰,۰۰۰ تومان

شابک: 978-622-9320-24-2

انتشارات و توزیع:

تهران، خیابان سپهبد قرنی، خیابان شهید شاهپور آذرفر، پلاک ۶، طبقه دوم، تلفن: ۸۸۸۳۱۳۸۸

sanglaj.pub@yahoo.com

sanglaj.pub@gmail.com

حق چاپ برای نشر سنگلج محفوظ است؛ هرگونه کپی برداری و چاپ به صورت لوح فشرده

و یا نشر در صفحات مجازی، پیگرد قانونی دارد.

فهرست مطالب

۹	قضیه بحرین / دکتر مشکان مشکور.....
	خارج شدن اسناد محرمانه بریتانیا از طبقه بندی؛ ابعاد چند جانبه توطئه برای جدایی
۱۷	بحرین / دکتر حمید غروی.....
۲۰	۱. پیشینه ادعاهای ایران علیه بحرین.....
۲۲	۲. وقایع ثبت شده در تاریخ.....
۲۷	۳. ایرادات ظاهری.....
۲۸	۴. حقیقت آشکار شده توسط اسناد محرمانه خارج شده از طبقه بندی بریتانیا.....
۳۹	۵. فرآیندی که به لحاظ قانونی مخدوش شد.....
۴۰	۶. سرانجام.....
۴۲	نتیجه گیری.....
۴۵	فهرست اسناد.....

- سند شماره ۱: پیش‌نویس صورتجلسه مذاکرات بین شاه و گورنوی روبرتس در کاخ نیاوران (به تاریخ ۱۷ دی ماه ۱۳۴۶)..... 30
- سند شماره ۲: (یادداشت به تاریخ ۲۵ دی ماه ۱۳۴۶)..... 42
- سند شماره ۳: گزارش هم‌زیستی (به تاریخ ۲۶ اردیبهشت ۱۳۴۷)..... 44
- سند شماره ۴: ادعای ایران در باره بحرین (یادداشت به تاریخ ۴ تیر ماه ۱۳۴۷)..... 45
- سند شماره ۵: همه‌پرسی در بحرین (یادداشت به تاریخ ۱۴ تیر ماه ۱۳۴۷)..... 56
- سند شماره ۶: (تلگرام به تاریخ ۲۱ تیر ماه ۱۳۴۷)..... 58
- سند شماره ۷: بحرین و افکار عمومی ایران (یادداشت به تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۴۷)..... 62
- سند شماره ۸: (تلگرام به تاریخ ۱۴ مرداد ۱۳۴۷)..... 66
- سند شماره ۹: بحرین و پیشینه آن در سیاست خارجی ایران (گزارش مربوط به مرداد ۱۳۴۷)..... 70
- سند شماره ۱۰: خلیج فارس و امارات متحده عربی (گزارش به تاریخ ۱۷ مرداد ۱۳۴۷)..... 78
- سند شماره ۱۱: (تلگرام به تاریخ ۷ شهریور ۱۳۴۷)..... 80
- سند شماره ۱۲: دیدار حاکم رأس الخیمه (گزارش به تاریخ ۷ شهریور ۱۳۴۷)..... 82
- سند شماره ۱۳: ایران و بحرین (تلگرام به تاریخ ۲۸ شهریور ۱۳۴۷)..... 84
- سند شماره ۱۴: خلیج فارس: وزیر امور خارجه ایران (گزارش به تاریخ ۲۸ شهریور ۱۳۴۷)..... 86
- سند شماره ۱۵: بحرین و ایران (تلگرام به تاریخ ۲۰ آذر ماه ۱۳۴۷)..... 88
- سند شماره ۱۶: کنفرانس مطبوعاتی محمدرضا شاه در دهلی‌نودر چهارم ژانویه ۱۹۶۹ درباره بحرین (تلگرام به تاریخ ۱۶ دی ماه ۱۳۴۷)..... 92
- سند شماره ۱۷: بحرین/ ایران (تلگرام به تاریخ ۱۷ دی ماه ۱۳۴۷)..... 96
- سند شماره ۱۸: بحرین/ ایران (یادداشت به تاریخ ۲۴ دی ماه ۱۳۴۷)..... 100
- سند شماره ۱۹: ایران و بحرین (یادداشت به تاریخ ۲۵ دی ماه ۱۳۴۷)..... 106
- سند شماره ۲۰: (نظرات ابرازی ارنست گروس کارشناس خارجی ایرانی‌ها در موضوع بحرین - گزارش به تاریخ ۲۶ دی ماه ۱۳۴۷)..... 110
- سند شماره ۲۱: بحرین و ایران: مواضع فعلی (گزارش به تاریخ ۲۷ دی ماه ۱۳۴۷)..... 114
- سند شماره ۲۲: بحرین/ ایران (تلگرام به تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۴۷)..... 120
- سند شماره ۲۳: بحرین و ایران (گزارش به تاریخ ۶ اسفند ۱۳۴۷)..... 126
- سند شماره ۲۴: ایران و دیوان بین‌المللی دادگستری (یادداشت به تاریخ ۸ اسفند ۱۳۴۷)..... 136
- سند شماره ۲۵: تماس هیات نمایندگی بحرین (یادداشت به تاریخ ۱۶ اسفند ۱۳۴۷)..... 140

سند شماره ۲۶: بحرین و ایران (گزارش به تاریخ ۷ فروردین ۱۳۴۸).....	146
سند شماره ۲۷: بحرین، جزایر دیگر و ایران (گزارش به تاریخ ۱۲ فروردین ۱۳۴۸).....	152
سند شماره ۲۸: بحرین و ایران (گزارش به تاریخ ۲۷ فروردین ۱۳۴۸).....	154
سند شماره ۲۹: بحرین و ایران (یادداشت به تاریخ ۲۷ فروردین ۱۳۴۸).....	158
سند شماره ۳۰: بحرین/ ایران و نماینده سازمان ملل متحد (تلگرام به تاریخ ۱ اردیبهشت ۱۳۴۸).....	168
سند شماره ۳۱: بحرین و ایران (گزارش به تاریخ دوم اردیبهشت ۱۳۴۸).....	172
سند شماره ۳۲: بحرین/ ایران (تلگرام به تاریخ ۴ اردیبهشت ۱۳۴۸).....	178
سند شماره ۳۳: بحرین/ ایران، پیشنهادهای بحرین دربارهٔ روش رسیدگی (تلگرام به تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۴۸).....	180
سند شماره ۳۴: بحرین/ ایران (تلگرام به تاریخ ۶ خرداد ۱۳۴۸).....	184
سند شماره ۳۵: بحرین/ ایران (تلگرام به تاریخ ۶ خرداد ۱۳۴۸).....	190
سند شماره ۳۶: بحرین/ ایران (تلگرام به تاریخ ۱ مرداد ۱۳۴۸).....	194
سند شماره ۳۷: بحرین/ ایران (تلگرام به تاریخ ۲۲ مرداد ۱۳۴۸).....	198
سند شماره ۳۸: بحرین/ ایران (تلگرام به تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۴۸).....	202
سند شماره ۳۹: اجلاس وزرای شورای آتلانتیک شمالی در بروکسل (یادداشت به تاریخ ۶ آذر ۱۳۴۸).....	206
سند شماره ۴۰: روش رسیدگی (مقررات) به تاریخ ۶ دی ماه ۱۳۴۸).....	210
سند شماره ۴۱: یادداشت (نامه به تاریخ ۸ دی ماه ۱۳۴۸).....	214
سند شماره ۴۲: پیش‌نویس روش انجام کار شامل اصلاحات پیشنهادی دکتر بانج (مربوط به دی ماه ۱۳۴۸).....	216
سند شماره ۴۳: متن نهایی اسنادی که راه کارهای حل و فصل ادعاهای ایران علیه بحرین را ارائه می‌کند (سند به تاریخ ۸ دی ماه ۱۳۴۸).....	220
سند شماره ۴۴: بحرین/ ایران - ملاقات آقای هایمن با آقای [کیچاردی] وین اسپیر (نامه به تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۴۸).....	224
سند شماره ۴۵: درخواست رسمی دولت ایران از دبیرکل سازمان ملل برای تعیین نماینده ویژه (نامه به تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۴۸).....	228
سند شماره ۴۶: (ارسال رونوشت نامه نمایندگی دائم ایران خطاب به سازمان ملل متحد به نمایندگی دائم بریتانیا در آن سازمان، به تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۴۸).....	232

- سند شماره ۴۷: (نامه به تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۴۸) 234
- سند شماره ۴۸: (نامه به تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۴۸) 238
- سند شماره ۴۹: ایران/ بحرین (نامه به تاریخ ۱۴ فروردین ۱۳۴۹) 242
- سند شماره ۵۰: نامه ۳ آوریل ۱۹۷۰ نمایندگی دائم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به رئیس شورای امنیت سازمان ملل متحد (به تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۴۹) 244
- سند شماره ۵۱: ایران/ بحرین (نامه به تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۴۹) 248
- سند شماره ۵۲: مأموریت به کارگیری مساعی جمیله در بحرین (گزارش به تاریخ چهارم اردیبهشت ۱۳۴۹) 252
- سند شماره ۵۳: حلّ و فصل ادعای ایران علیه بحرین (گزارش مربوط به اردیبهشت ۱۳۴۹) 272
- سند شماره ۵۴: حلّ و فصل ادعای ایران نسبت به بحرین (گزارش به تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۴۹) 274
- سند شماره ۵۵: ایران/ بحرین (تلگرام به تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۹) 288
- سند شماره ۵۶: حلّ و فصل ادعای ایران نسبت به بحرین (گزارش به تاریخ ۸ تیرماه ۱۳۴۹) 290
- سند شماره ۵۷: صورتجلسه مشروح مذاکرات وزیر امور خارجه [بریتانیا] و کشورهای مشترک المنافع و شاه در سفارت ایران در بروکسل (سند به تاریخ ۱۹ تیرماه ۱۳۴۹) 308
- سند شماره ۵۸: سیاست خلیج [فارس] - ملاقات وزیر خارجه [بریتانیا] با شاه (تلگرام به تاریخ ۲۰ تیرماه ۱۳۴۹) 320

مقدمه

در کناره غربی خلیج فارس، از خور کویت یا خلیج کاظمه تا شبه جزیره قطر، بیابان‌های ریگزار پهناوری گسترده شده است که طرف شرق آن دریا و چند جزیره کوچک و بزرگ است که نام مجمع الجزایر بحرین بر آن نهاده شده است. بزرگترین این جزایر که منظور از بحرین به طور خاص نیز همان است، جزیره‌ای است که مسلمانان آن را اوال می‌خواندند، اما امروزه به نام معروفترین شهر خود منامه یا منعمه خوانده می‌شود.

بحرین به دلایل هویتی، تاریخی، قومیتی و مذهبی و حتی زبانی، بخشی از سرزمین ایران در طول هزاران سال تاریخ این کشور و خلیج فارس محسوب می‌شود؛ پس از فتح بابل توسط کوروش هخامنشی در سال ۵۳۹ پیش از میلاد، این ناحیه که تحت تسلط بابلیان بود به تصرف هخامنشیان درآمد.

هگر که بعدها هجر و امروزه الهفوف جای آن را گرفته است، بنیاد اردشیر که اینک قطیف خوانده می‌شود، میش ماهیگ که پس از ساسانیان اوال و بعدها بحرین نام گرفت، همه سخن از پیشینه فرهنگ و حکومت ایران بر این ناحیه دارد. شاید کهن‌ترین اشاره به تعلق این سرزمین به ایران در منابع پس از اسلام، در کتاب تاریخ طبری آمده باشد که اشاره به عرب‌های بادیه‌نشین دارد که چگونه به دلیل تنگی آذوقه، در زمان اشکانیان به سوی بحرین حرکت کردند.

در سایر منابع تاریخی از جمله فتوح البلدان بلاذری، فارسنامه ابن بلخی، معجم البلدان یا قوت حموی، تاریخ گزیده حمدالله مستوفی و ... نیز به کرات اشارات مختلفی از

تسلط پادشاهان ساسانی و نیز حکومت‌های پس از اسلام در ایران بر این جزیره دیده می‌شود، تا جایی که حتی حمدالله مستوفی در کتاب نزهةالقلوب خود در ذکر فارس، می‌نویسد: «جزایری که در بحر فارس است، از جزایر ملت فارس شمرده‌اند و بزرگترین آنها از کثرت مردم و نعمت جزایر کیش و بحرین است».

پس، آنچنان که در منابع تاریخی حکومت‌های پس از اسلام تا دوره صفوی نوشته شده است، همگی به تعلق این خاک به سرزمین ایران اذعان داشته‌اند و نشان می‌دهد که این ناحیه جزوی از حکومت سلسله‌های حاکم بر ایران بوده است. از دوران صفویه دو عامل باعث شد تا این ناحیه در کانون توجه بیشتری در ساختار سرزمینی ایران قرار بگیرد؛ نخست، در اثر بسط شیعه در ایران، پیوند تنگاتنگی میان منطقه بحرین با سرزمین ایران برقرار شد، تا جایی که بخشی از تراث کهن امامیه - که به همت و توجه عالمان بحرین قدیم حفظ شده بود - در میان محافل علمی و حوزوی ایران تداوم یافت. عامل دیگر حضور پرتغالی‌ها به عنوان کشوری استعمارگر در سده ۱۶ میلادی در خلیج فارس و تسلط بر جزایر ایرانی از جمله بحرین است که این موضوع باعث شد تا حکومت صفوی در سال ۱۰۱۰ ق پرتغالی‌ها را ابتدا از بحرین و سپس در سال ۱۰۳۱ ق، از قشم و هرمز بیرون کند و مجدد حاکمان ایرانی را در این نواحی منصوب کند.

بدین ترتیب و دست‌کم در ۴۰۰ ساله اخیر خلیج فارس و البته جزیره بحرین اهمیت بسزایی پیدا کرد و زمینه‌های مختلفی باعث شد تا قدرت‌های سیاسی دیگر در این منطقه شروع به قدرت‌نمایی و بازیگری کنند؛ عمده زمینه‌های حضور بیگانگان ناشی از موقعیت سوق‌الجیشی و جغرافیایی این جزایر برای استفاده از بنادر آن و صید مروارید است. علاقه قدرت‌های خارجی به بحرین با کشف منابع انرژی افزایش پیدا کرد و باعث شد خلیج فارس و به ویژه بحرین در کانون توجه پرتغالی‌ها، عثمانی‌ها و در نهایت انگلیسی‌ها و پس از آن آمریکایی‌ها قرار بگیرد.

از روزگار باستان تا دوره قاجاریه، افزون بر نقشه‌های تاریخی، منابع و اسناد حاکمیتی ایران نیز گواهی بر حق حاکمیت ایران بر ناحیه بحرین است، تا جایی که کمپانی‌ها و حکومت‌هایی که در خلیج فارس حضور پیدا می‌کردند، بدان متعهد بودند و رسماً حقوق

حاکمیت و مالکیت ایران را به رسمیت می‌شناختند که از جمله یکی از آنها عهدنامه ۱۲ ذیحجه ۱۲۳۷ ق/ ۳۰ اوت ۱۸۲۲ م در روزگار فتحعلی شاه قاجار است که بین حسینعلی میرزای فرمانفرما، حاکم فارس و ویلیام بروس، کمیسر ویژه انگلستان در خلیج فارس بسته شد. قاجارها طی جنگ‌های فرسایشی با روس‌ها و نیز فرسودگی و ناکارآمدی در روابط با انگلیسی‌ها و البته نداشتن نیروی دریایی، به تدریج نفوذ و قدرت خود را در خلیج فارس تا اندازه‌ای از دست دادند. انگلیسی‌ها نیز نخست به بهانه دورکردن دست دزدان دریایی جواسم از خلیج فارس و تفتیش کشتی‌ها برای جلوگیری از خرید و فروش برده و سپس به بهانه حفظ حقوق اتباع انگلیس در جزیره مذکور و در واقع برای حفظ سرمایه‌های سرمایه‌داران انگلیس در شرکت نفت بحرین به نفوذ خود در بحرین ادامه دادند.

این عوامل باعث شد تا از حدود ۱۷۸۳ م، خاندان آل خلیفه از تیره عتوبی با زور وارد خاک بحرین شده و به تدریج با حمایت دولت انگلیس به‌رغم تفاوت مذهبی با اکثریت ساکن در جزیره، بتوانند به قدرت مسلط تبدیل شده به حکومت دست پیدا کنند و طی سال‌های ۱۸۲۰، ۱۸۲۹ و ۱۸۸۰ م، با قراردادهایی که شیخ سلمان آل خلیفه و پس از او شیخ عیسی آل خلیفه با دولت انگلستان بستند، متعهد شدند تا به هیچ دولت خارجی حق تأسیس نمایندگی سیاسی ندهند؛ این در حالی است که در سال ۱۳۱۳ ق/ ۱۸۹۵ م، یعنی قریب ۱۵ سال پس از آخرین معاهده انگلیسی‌ها با خاندان آل خلیفه، میرزا حسن فسایی از نویسندگان برجسته ایرانی از اهالی فارس، در کتاب فارسنامه خود، بحرین را صریحاً جزو بلوک فارس بر می‌شمرد و اطلاعات تاریخی و جغرافیایی آن را بر اساس حروف الفبا، پس از اصطهبانات و قبل از بشارگرد شرح می‌کند.

پس از آن نیز سیاست ایرانی‌زدایی در روند کاری دولت انگلیس و آل خلیفه قرار گرفت تا جایی که در ۱۹۲۷ میلادی انگلیسی‌ها و عبدالعزیز سعودی قراردادی بستند که براساس آن پادشاه حجاز متعهد می‌شد که با سرزمین‌های کویت، بحرین، و سواحل عمان که مناسبات ویژه با انگلستان داشتند، روابط دوستی برقرار کند که این قرارداد به نوعی تجاوز به تمامیت ارضی ایران محسوب می‌شد. در سال ۱۹۳۰ م نیز دولت انگلستان از ورود و خروج ایرانیان فاقد گذرنامه به بحرین جلوگیری کرد.

ضعف حکومت قاجاری و پهلوی و نیز وقوع دو جنگ جهانی، نیز به دولت انگلیس کمک کرد تا افزون بر سیطره خود در خلیج فارس، سیاست‌های خود را در کم کردن قدرت سرزمینی ایران در خلیج فارس با جدا کردن بسیاری از جزایر ایرانی از سرزمین مادری، نقش فعال‌تری ایفا کند. تلاش انگلستان در این باره البته آنهم با یک خدعه که بازیگران متعددی در آن نقش داشتند، باعث جدایی بحرین از ایران شد.

خروج اسناد سری و محرمانه وزارت امور خارجه انگلستان از طبقه‌بندی، دوست و همکار عزیزمان آقای دکتر حمید غروی - که وکیل متخصص در دعاوی بین‌المللی در دارالوکاله دورنس و غروی در پاریس هستند و اخیراً نیز دولت بحرین را در یک پرونده داوری مطروحه از سوی دو بانک ایرانی برای مطالبه غرامت از آن دولت محکوم نموده‌اند - بر آن داشت که با بررسی و استنساخ این اسناد، تحلیلی با رویکرد حقوقی از پشت پرده شناسایی استقلال بحرین و چگونگی طراحی «همه‌پرسی» ساختگی که با صحنه‌گردانی انگلستان و تأیید ضمنی دولت وقت ایران صورت گرفت، ارائه نماید. این تحلیل به صورت مقاله^۱ در شماره ۶ سال ۲۰۲۲ مجله حقوقی بین‌المللی انستیتوی کارشناسی حقوق بین‌الملل کانادا به زبان انگلیسی به چاپ رسیده است.^۲

دکتر حمید غروی با توجه به آزادسازی اسناد مهم این رویداد از آرشیوهای محرمانه و سری وزارت خارجه انگلستان، به نکات حقوقی و سیاسی مهمی دست یافته است که نشان می‌دهد، چگونه دولت انگلستان، با طرح توطئه‌ای همراهی شاه ایران و مقامات محلی بحرین و با وسیله قرار دادن سازمان ملل متحد باعث شد تا در سال ۱۹۷۱ م/ ۱۳۵۰ خ، بحرین از ایران جدا شود. این اسناد نشان می‌دهد که افزون بر نقض حقوق بین‌الملل، برخی از اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد، بسیاری از دولت‌ها، مجلس نمایندگان ایران و بخشی از جمعیت بحرین از این توطئه آگاه نبودند.

جالب است بدانیم شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۹ خ

1. Declassified Archives Show Multi-Level Collusion over Bahrain's Sovereignty.

2. Canadian Institute for International Law Expertise (CIFILE), Journal of International Law, Vol. 3, No. 6, 58-79, fall 2022.

گزارش نماینده دبیرکل آن سازمان را مبنی بر تمایل اکثریت مردم بحرین برای استقلال تأیید کرد. حال آنکه دولت ایران در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۴۸ خ، و پس از آن دولت انگلستان طی نامه‌ای به تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۴۸ خ، از دبیرکل سازمان ملل درخواست کرده بودند اراده ساکنان بحرین را برای استقلال مورد ارزیابی قرار دهد. به این ترتیب فاصله بین درخواست پذیرش و اعلام رسمی استقلال بحرین ۶۳ روز بوده است. این مدت بسیار کوتاه، خود بهترین گواه بر غیرمتعارف بودن فرآیند استقلال بحرین است، در حالی که در موارد دیگر، فرآیند شناسایی دولت‌ها بطور معمول چند سال به طول می‌انجامد.

فاسد بودن فرآیند شناسایی استقلال بحرین به حدی بود که نماینده اتحاد جماهیر شوروی اعتراض‌هایی در این مورد عنوان کرد و نماینده فرانسه هم از بی‌اطلاع گذاشتن اعضای دیگر شورای امنیت از این فرآیند گله کرد.

مؤسسه نشر سنگلیج قلم، مناسب دید مقاله آقای دکتر غروی را به همراه ترجمه آن به زبان فارسی و نیز گزیده‌ای از اسناد محرمانه و سری مذکور را که اخیراً افشاء شده است برای استفاده مخاطبین ایرانی به چاپ برساند.

نخستین دلیل چاپ این کتاب، عاطفی است. نویسنده مقاله و مترجم و دست‌اندرکاران تدوین کتاب بطور طبیعی به عنوان ایرانی از جدایی بحرین از ایران، از این جهت که این سرزمین بنا به شواهدی که پیش از این نوشته شد از دو هزار و پانصد سال پیش، پس از تصرف بابل و گسترش قلمرو ایران به غرب و گماردن ساتراپ‌ها برای سرزمین‌های ماوراء فرات^۱ و تسلط بر دریای مدیترانه و نیز بر پهنه دریائی جنوبی فارس، یعنی آنچه قرن‌ها خلیج فارس نامیده شده است، ایرانی بوده و اگر هم دوره‌ای بعد از حمله اعراب از حاکمیت ایران خارج شده، مجدداً به این حاکمیت برگشته و تا تصرف غیرقانونی آن توسط انگلستان در سال ۱۸۲۰ میلادی جزئی از سرزمین ایران بوده و لذا ایرانی‌ها همواره پس از اشغال بحرین توسط انگلستان به دنبال بازگشت آن به قلمرو کشور بودند و از جدائی آن محزون شده‌اند.

دلیل دوم، تعلق پژوهشی است. مطالعات بسیاری در مورد حاکمیت ایران در طول

1. Trans Euphrates satrapi.

تاریخ بر بحرین از سوی اساتید و مورخان بنام انجام گرفته است.^۱ در مورد چگونگی جدایی بحرین از ایران هم کتب و مقالاتی توسط متخصصان در داخل و خارج از کشور نوشته است. لیکن اسناد پیوست این کتاب، زمینه را برای مطالعات تکمیلی و فهم چرانی تغییر سیاست رسمی دولت ایران فراهم می‌کند.

در ماه‌های پایانی سال ۱۳۴۶ خ، محمدرضا شاه سفر خود را به عربستان در پی صدور اعلامیه مشترک ملک فیصل، پادشاه عربستان و شیخ بحرین لغو می‌کند و بر اساس یادداشت‌های اسدالله علم در روز ۱۰ بهمن ۱۳۴۶ خ: «[شاه] می‌گوید وقتی در اعلامیه ملک فیصل و شیخ بحرین می‌گویند بحرین یک کشور عربی است و با پل آن را به کشور مادر می‌پیوندیم. اگر من بروم یعنی این حرف آنها را قبول دارم».^۲ حدود ۱۰ سال قبل از آن هم مجلس ایران در سال ۱۳۳۶ خ، قانونی را مبنی بر اعلام بحرین به عنوان استان چهاردهم به تصویب رسانده بود.

اسناد پیوست این کتاب برای درک علل تغییر سیاست رسمی ایران در یک فاصله چند ساله و تن دادن به درخواست دولت انگلستان برای شناسایی استقلال بحرین قطعاً مفید خواهد بود، زیرا همانگونه که در برخی اسناد هم به آن اشاره شده است به نظر می‌رسید در صورت برگزاری همه‌پرسی واقعی، رأی اکثریت ساکنین بحرین با آنچه که اعلام شد متفاوت باشد.

همچنین این اسناد، شیوه تحلیل یک موضوع مرتبط به حاکمیت ایران را از داخل دستگاه

۱. در این زمینه می‌توان به پژوهش‌های استادان، عباس اقبال آشتیانی «مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس»، سعید نفیسی «بحرین، حقوق هزار و هفت صد ساله ایران»، محمد جواد مشکور «تاریخ ایران در عهد باستان»، احمد اقتداری «خلیج فارس» و ... اشاره کرد.

۲. همچنین در یادداشت روز بعد خود اسدالله علم می‌نویسد: «.... چگونه ممکن بود که آنها با آن قدرت از بحرین پشتیبانی کنند و بعد شاهنشاه به قول معروف تشریف ببرند و با آنها خوش و بش کنند؟ سفیر آمریکا نهایت سعی را کرد که این تأخیر اتفاق نیفتد و شاهنشاه تشریف ببرند ولی با این اوصاف تشریف نبردند به علت آنکه ما یک حرف می‌زنیم و آن این که باید سعودی‌ها اعلامیه بدهند که غلط کردیم. درست است که ما ممکن بود از ادعای خود به یک نحوی و با گرفتن امتیازاتی از بحرین مثل این که پایگاه هوایی یا دریایی به ما بدهند صرف نظر کنیم ولی نمی‌توانستیم شاهد بخشش ملک فیصل از حساب خود باشیم».

دیپلماسی انگلستان نشان می‌دهد و این امر می‌تواند برای دست‌اندرکاران سیاست خارجی ایران مفید بوده و برای شناخت بهتر نحوه تعامل اجزاء داخلی و ادارات مختلف دستگاه دیپلماسی انگلستان و نیز نحوه تعامل آن‌ها با کشورهای دیگر تجربه‌آموز باشد.

سرانجام، مقاله آقای دکتر غروی و اسناد پیوست آن می‌تواند از یک سو برای تأمل و تعمق در مورد نحوه برخورد دولت وقت با چالش خروج انگلستان از منطقه خلیج فارس و از سوی دیگر تدبیر در مورد وجود گزینه‌هایی به غیر از تفاهم ناقصی که به آن دست پیدا کردند، یعنی پذیرش غیرمستقیم فرآیند توافقی برای استقلال بحرین در مقابل عدم مداخله و ایجاد مزاحمت انگلستان برای بازپس‌گیری جزایر سه‌گانه ایرانی خلیج فارس، یا به عبارت دیگر دست کشیدن بدون جنگ و دعوا از ادعای حاکمیت بر بحرین در قبال قول مبهم عدم مزاحمت در برابر بازپس‌گیری بخشی از سرزمین ایران، مورد استفاده پژوهشگران قرار گیرد. امیدوارم که انتشار این اسناد زمینه پژوهش‌های جدیدی از منظر تاریخی و سیاست منطقه‌ای فراهم کند؛ مؤسسه سنگلج قلم نیز از پژوهش‌های مبتنی بر این اسناد در آینده حمایت خواهد کرد.

در پایان ضمن تشکر از آقای دکتر حمید غروی نویسنده این اثر، مراتب سپاسگزاری خودم را از آقایان دکتر حسن خسروشاهی مترجم مقاله، رسول بدری تدوین‌کننده اسناد این کتاب، دوست دانشمند و مورخ دکتر سعید میرمحمدصادق، مدیر مؤسسه نشر سنگلج قلم که در تنظیم و بازبینی نکات تاریخی نظارت داشتند، اعلام می‌کنم و برای همه ایشان آرزوی تندرستی و شادکامی دارم.

دکتر مشکان مشکور